

مجموعه آثار تامس نیگل - ۱۱

تامس نیگل

ترجمہ

جواد حیدری

دُشمن و کُشیان

کتابساز

نشر نگاه معاصر

فهرست

| | |
|-----|------------------------------------|
| ۷ | □ مقدمه مترجم |
| ۱۷ | □ لب اللباب (برای خواننده‌ی ایران) |
| ۲۱ | □ پیشگفتار |
| ۲۳ | ۱. مقدمه |
| ۳۵ | ۲. فروکاست‌گرایی و نظم طبیعی |
| ۵۷ | ۳. آگاهی |
| ۹۵ | ۴. شناخت |
| ۱۲۳ | ۵. ارزش |
| ۱۵۵ | ۶. نتیجه‌گیری |
| ۱۵۷ | □ نهایه |

مقدمه‌ی مترجم

ذهن و کیهان کتابی است جسورانه، مبتکرانه، و مناقشه‌آمیز که همیشه از نیگل انتظار می‌رود. این کتاب مخالفت طبیعی‌گرایان را برانگیخته و موافقت پر شور و حرارت خداباوران را جلب کرده است. الیوت سویر عقیده دارد که «ذهن و کیهان کتابی است متهورانه که موج ایجاد می‌کند»^۱. این کتاب حاکی از آن است که جدیدترین سیر فکری نیگل از روایت متعارف طبیعت‌گرایی فاصله می‌گیرد و در نقد طبیعت‌گرایی با نگرش خداباورانه به عالم همداستان می‌شود. سیر فکری نیگل در حوزه‌ی فلسفه‌ی ذهن با انتشار مقاله‌ی بسیار مهم و تأثیرگذار او، «خفاش بودن چه حالی دارد»، شروع شد که او در این مقاله، وجود آگاهی فروکاست‌ناپذیر و نظرگاه اول‌شخص را می‌پذیرد^۲. در سال ۱۹۹۷ کتاب حرف آخر [= *The Last Word*] نیگل منتشر شد، او در این کتاب دفاع جانانه‌ای از عقلانیت می‌کند و می‌پذیرد که عقل عینی [= objective reason] مشکلی را پیش‌اروی طبیعت‌گرایی قرار می‌دهد و قرائن و شواهدی به نفع خداباوری ارائه می‌کند^۳. این واقعیت که نیگل در یک‌چنین سیر فکری‌ای بوده است دال بر استحکام فکری نیگل است. او همیشه با سر سختی هر چه تمام نسبت به راه حل‌های فروکاست‌گرایانه برای مسائل جدی و به تعبیر او کشنده کاملاً بدبین بوده است. به صورت خلاصه، مدعای نیگل در این کتاب از قرار زیر است: داروینیسیم مادی‌انگاران‌هی متعارف هرگز نمی‌تواند موارد زیر را تبیین کند: (۸۵)

1. Elliott Sober, «Remarkable Facts: Ending Science as We Know It,» *BostonReview.net*, November/December, 2012, http://www.bostonreview.net/BR37.6/elliott_sober_thomas_nagel_mind_cosmos.php
2. Thomas Nagel, «What It Is Like to Be a Bat,» *Philosophical Review* 83 (1974): 435–50.
3. Thomas Nagel, *The Last Word* (New York: Oxford University Press, 2001).

۱. ظهور حیات به صورت شگفت‌انگیزی پیچیده از عالم بی‌جان بر روی زمین.
 ۲. رشد و تحول چنین تنوع شگفت‌انگیز اشکال کاملاً پیچیده‌ی حیات از حیات نخستین.
 ۳. ظهور موجودات آگاه از ماده‌ی فاقد شعور.
 ۴. وجود عقل و ارزش عینی و نیز موجوداتی که دارای چنین ظرفیت و قابلیت‌هایی‌اند و مستعد فهم واقعیت و ارزش عینی هستند و با ارزش نیز برانگیخته می‌شوند.
- هر تبیینی از این چهار واقعیت کیهان ما دارای دو روایت است (۵۴): روایت اساسی [= constitutive] و روایت تاریخی [= historical]. روایت اساسی کانون توجه خود را بر این قرار می‌دهد که این جهان چگونه جهانی است که مؤلفه x (مثلاً، زندگی پیچیده، آگاهی، عقل عینی، و ارزش، (۸۶)، (۱۶-۱۱۲)) می‌تواند در آن وجود داشته باشد، و روایت تاریخی کانون توجه خود را بر توصیف فرایندی قرار می‌دهد که به وسیله آن x عملاً به وجود می‌آید.

با توجه به شکست مادی‌انگاری تاریخی، نیگل خدایابوری و راه حل خودش را به عنوان گزینه‌ی تبیینی اولیه ارائه می‌کند، و می‌گوید: ما نباید به فراسوی این عالم برویم و در آنجا به دنبال تبیینی برای آن بگردیم، در عوض، ما باید به دنبال نگرشی جامع به این عالم باشیم که نظم طبیعی واحدی را ارائه می‌کند که به هر چیزی بر مبنای مجموعه‌ای از عناصر و اصول مشترک وحدت می‌بخشد (۸، ۲۶). و لذا بر این اساس نیگل در جستجوی راه حل خدایابورانه نیست، و ترجیح او نگرشی طبیعت‌گرایانه است (۱۲، ۲۲، ۹۵). راه حل نیگل برای سازی [= component] اساسی عالم این است که تقریری از همه‌جان‌انگاری [= panpsychism] را برای تبیین خاستگاه آگاهی و عقل پیشفرض بگیرد. و راه حل او برای سازی تاریخی عالم این است که تقریری از غایت‌شناسی [= teleology] را ارائه کند. با توجه به تعیین‌ناپذیری [= indeterminacy] قوانین فیزیکی، این تقریر از غایت‌شناسی، در میان شقوق بدیل، مطابق با گرایش‌اش به پیامدهای خاص، یعنی «سوگیری نسبت به امور شگفت‌انگیز» (۹۲)، و نیز گرایش ذاتی در ماده نسبت به تحقق‌بخشی به موجودات آگاه و عقلانی راه خاصی را برمی‌گزیند.

نیگل، در فصل مقدمه، مدعای اصلی‌اش را بیان می‌کند، یعنی بیان دقیق و موجز قلمروی که در آن مادی‌انگاری داروینی شکست خورده است، و برای مسائل این حوزه، راه حل طبیعت‌گرایانه را به راه حل خدایابورانه ترجیح می‌دهد. در این فصل نیگل ادعا می‌کند که بعضی از امور (مثلاً، اشکال پیچیده‌ی زندگی، و آگاهی) آن‌قدر چشمگیر هستند که اگر

قرار است که مدعی فهم واقعی جهان باشیم، باید آن امور را به صورت غیر تصادفی [= nonaccidental] تبیین کنیم. (۷) مدعای فوق به نیگل این امکان را می‌دهد که تبیین طروینی مادی‌انگارانه‌ی متعارف را ردّ بکند. در اینجا لازم به ذکر است که غایت‌شناسی را وجود یک طراح هدفمند به بهترین نحوی تبیین می‌کند. نیگل غایت‌شناسی را به عنوان یک واقعیت فاقد شعور به کناری می‌نهد، اما ظاهراً به تبیین دیگری نیاز دارد، یعنی تبیینی که نشان دهد وجود غایت‌شناسی با یک طراح به بهترین نحوی تبیین می‌شود.

سرانجام نیگل در فصل مقدمه این رأی و نظر مهم را طرح می‌کند که مسأله‌ی ذهن-بدن صرفاً مسأله‌ای کم‌دامنه نیست که با ربط و نسبت میان ذهن، مغز، و رفتار موجودات زنده سر و کار داشته باشد. اگر آگاهی و عقل فروکاست‌ناپذیر وجود داشته باشد، در این صورت ما باید پرسیم که چه جور عالمی می‌تواند موجب ظهور و بروز آنها شود.

کار مهم نیگل این است که نگرشی موجز به مسأله‌ی ذهن و کیهان را طرح می‌کند، و توجه خود را به مسائل اصلی کل کیهان معطوف می‌کند. ولی، با توجه به این نکته، برای او ناموجه است که با این سه ساحت اصلی کیهان تعامل کمی داشته باشیم: کیهان آغازی دارد، ممکن‌الوجود است، و برای ظهور زندگی سازگارتر است. اینها قرائن و شواهدی قوی به سود خدایابوری هستند، و این ساحت‌ها واقعیاتی راجع به کیهان ارائه می‌کنند که از درون آنها نگرش همه‌جان‌انگارانه و غایت‌شناسانه بیرون می‌آیند.

نیگل، در فصل دوم، «ضد فروکاست‌گرایی» را نگرش همه‌ی کسانی تلقی می‌کند که در کفایت و شایستگی تلاش کاملاً علمی برای ارائه‌ی روایتی از عالم واقع شک و شبهه می‌کنند، و او بدین معنا خود را در زمره‌ی ضد فروکاست‌گرایان قرار می‌دهد. بر همین اساس، نیگل این شک و شبهه را طرح می‌کند که فروکاست‌گرایان نمی‌توانند آگاهی، حیث التفاتی، هدف، عقل، و ارزش را تبیین کنند. اما او مسأله‌ی دومی را پیش پای فروکاست‌گرایی می‌گذارد: مسأله‌ی ارائه‌ی روایتی از اینکه از کجا معلوم می‌شود که این عالم واجد نظامی معقول و پنهان است که در پس پدیده‌های مشهود پنهان است و اینکه چگونه معلوم می‌شود که قوای عقلی ما برای فهم این نظم مناسب است. نیگل می‌گوید باید دلیلی به سود این مدعا وجود داشته باشد. ویژگی بنیادین عالم این است که ذهن ربط و نسبتی شکاکانه با نظم طبیعی دارد. اینکه این نظم موجب ظهور و بروز موجودات آگاهی می‌شود که می‌توانند، به نوبه‌ی خود، این ساختار عمیق را فهم کنند.

به عقیده‌ی نیگل، روایتی فیزیکی و داروینی از این ویژگی دوم ذهن از دو حیث